

فرماندار ایالت هاوایی آمریکا گفت کودکان زیادی در بین ۸۵۰ مفقود آتش سوزی های مرگبار اخیر در شهرستان «مائویی» هستند.

به گزارش فارس، در حالی که جست وجوی ناپدیدشدگان فاجعه هاوایی ادامه دارد؛ جاش گرین، فرماندار این ایالت در مصاحبه باسی بی اس گفت بیش از ۱۰۰ نفر از ساکنان در آتش سوزی شهر تاریخی «لاهاینا» که تقریبا با خاک یکسان شده، جان باختند. این احتمال وجود دارد که بسیاری از کودکان مفقود در زمان آتش سوزی به دلیل تعطیلی مدارس در خانه

۸۵۰نفر ناپدیدشده در فاجعه هاوایی

بوده باشند. ممکن است بچه های زیادی در بین مفقودان باشند. این بزرگ ترین فاجعه ای است که مائویی تاکنون متحمل شده است. ریچارد بیسن، شهردار مائویی هم دوشنبه گفت ۸۵۰نفر همچنان ناپدید هستند که کمتر از ۲۰۰۰ نفری است که در ابتداگزارش شده بود.وی همچنین گفت فقط ۲۷ نفر از ۱۱۴ قربانی شناسایی شده اند. به گفته مقامات مائویی، بیش از ۸۷۸ هکتار در لاهاینا سوخته و هزاران ساختمان آسیب دیده یا تخریب شده است، جو بایدن دوشنبه بعد از گذشت حدود دو هفته از



آتش سوزی مائویی، به این منطقه سفر و یک هماهنگ کننده فدرال را

برای نظارت بر تلاش ها برای بازسازی آن اعلام کرد. به باور کارشناسان،

آتش سوزی های مرگبار در مائویی آسیب پذیری را در آمریکا نشان داد که

به سرعت تهدیدات ناشی از تغییرات آب و هوایی در حال افزایش است؛

بخش های عظیمی از این کشور در مناطق خشک قرار دارد که در آن

آتش سوزی ها جرقه می زنند و دولت های دارای محدودیت نقدینگی،

برنامه های اضطراری کارآمدی برای نجات جان افراد ندارند.

قتل سریالی در کمال خونسردی

جوان ۲۶ ساله که ارتکاب ۴ قتل را در پرونده دارد، در عملیات غافلگیرانه پلیس مرودشت دستگیر شد

محمدغفوار دبیرگروه حوادث
«خونسرد اما بی رحم» این شاید کوتاه ترین تعریف از قاتل ۲۶ ساله ای در مرودشت باشد که آدمکشی

برایش راحت است. او شش سال قبل مردی را با شلیک گلوله کشت اما رضایت گرفت و بیرون آمد و این بار سه نفر دیگر را به همان شیوه و با شلیک مستقیم به سر از پا درآورد. کارآگاهان پلیس مرودشت در عملیاتی ضربتی و غافلگیرانه این قاتل مسلح را دستگیر کردند تا حادثه تلخی مانند اصفهان تکرار نشود.

گزارش اولین قتل

به گزارش خبرنگار «جام جم»، عقربه های ساعت ۱۳ و ۴۶ دقیقه شب ۸ مرداد را نشان می داد که مردی وحشتزده با پلیس شهرستان مرودشت در استان فارس تماس گرفت و از وقوع قتلی در قبرستان امیرآباد این شهر خبر داد. پس از این تماس تیمی از کارآگاهان پلیس به سرپرستی رئیس پلیس آگاهی شهرستان و بازپرس جنایی در محل قتل حاضر و با جسد پسر جوانی روبه رو شدند که گلوله ای به سرش اصابت کرده بود. یکی از شاهدان ماجرا در تحقیقات مقدماتی به تیم جنایی گفت: «مقتول و یکی از خلافکاران شهر بنام سعید اختلاف مالی داشتند. در پی این اختلاف دنباله دار آنها امروز در اینجا قرار گذاشتند تا به مشکل شان پایان دهند. پس از چند دقیقه صحبت های شان به درگیری لفظی کشید و سعید با شلیک گلوله ای به سر پسر ۲۶ ساله او را کشت و سوار بر خودروی پراید من از محل گریخت. شوکه شده بودیم و تنها راهی که به ذهن مان رسید این بود که با پلیس تماس بگیریم.» با شناسایی هویت قاتل، تحقیقات روی او متمرکز شد و کارآگاهان دریافتند سعید سال ۱۳۹۶ و هنگامی که ۲۰ سال داشت، پدرزن برادرش را به حاشیه شهر مرودشت کشانده و با شلیک گلوله به سرش به قتل رسانده بود. او چند ماه قبل با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کرده و از زندان آزاد شده بود.

مرگ تلخ خواهر و برادر

جست و جویهای یافتن مخفیگاه سعید آغاز شده بود که این بار جنایت هولناک دیگری به پلیس مرودشت گزارش شد. در این ماجرا خواهر و برادری در منزلشان در نزدیکی قبرستان امیرآباد با شلیک گلوله به قتل رسیده بودند. ماموران با حضور در این خانه با جسد زن ۲۶ ساله و برادر ۲۴ ساله اش در یکی از اتاق های خانه روبه رو شدند. آنها نیز با شلیک گلوله به سرشان از پا درآمده بودند. زن جوان همسر سابق برادر سعید بود که کشف این سرخ هیچ شکی باقی نگذاشت که آنها نیز قربانی کینه قاتل خونسرد شده اند. بررسی های دوربین های مداربسته اطراف محل قتل هم حضور سعید در آن خانه را تایید کرد.

عملیات ویژه برای دستگیری قاتل

سرهنگ فرشید زینلی، فرمانده انتظامی شهرستان مرودشت در این باره به جام جم گفت: با توجه به این که احتمال فرار سعید به خارج از کشور یا ارتکاب قتل های دیگر از سوی او وجود داشت، تحقیقات گسترده ای برای شناسایی مخفیگاه سعید آغاز شد و در کمتر از ۴۸ ساعت متوجه شدیم او در یکی از روستاهای مرودشت مخفی شده است. همراه رئیس پلیس آگاهی شهرستان

عدلیه

اعتراف مرد جوان به قتل کارشناس تصادفات

سرهنگ بازنشسته که کارشناس تصادف بود وقتی برای کارشناسی خودرو به شهرستان ری رفته بود به قتل رسید. با گذشت سه ماه از این ماجرا قاتل بازداشت و به ارتکاب قتل اعتراف کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، عصر بیستم اردیبهشت امسال دو مرد که سرنشینان خودرویی بودند هنگام عبور از یکی از محله های شهرستان ری هدف حمله مهاجمانی قرارگرفته و زخمی شدند. آنها از سوی رهگذران به بیمارستان شهدای هفتم تیر شهری منتقل شدند اما یکی از آنها که مرد ۷۰ساله ای بود، فوت کرد و دیگری که ۱۶ساله پسر جاقو به وی اصابت کرده بود به طور معجزه آسایی زنده ماند. در تحقیقات معلوم شد مقتول سرهنگ بازنشسته راهور و از کارشناسان تصادفات بوده و مرد جوان یکی از طرفین پرونده تصادفی بود. خانواده مقتول شناسایی شدند و همسرش در تحقیقات گفت: شوهرم علی اصغر فرزام، سرهنگ پلیس راهور و سال ها نیز استاد دانشگاه بود. سال ۸۱ بازنشسته شده و در ادامه به عنوان کارشناس تصادفات فعالیت می کرد. روز حادثه قرار بود شوهرم برای کارشناسی تصادفی برود که بعد از چند ساعت متوجه مرگ او شدم.

در ادامه تحقیقات پلیسی، چند نفری در این رابطه بازداشت شدند اما منکر قتل بودند. همچنین با تحقیق از مرد زخمی معلوم شد او با مردی تصادف کرده بوده و چون آن روز کارشناس اصلی نبوده، مقتول برای بررسی خودرو و کارشناسی آمده بود. بعد از کارشناسی، سرهنگ بازنشسته را به سمت شورای حل اختلاف



و یک تیم از ماموران زبده با هماهنگی قضایی، راهی روستا شدیم. می دانستیم او مسلح است و اگر متوجه حضور ما در روستا شود دست به اسلحه می برد و تیراندازی می کند. به همین دلیل برای دستگیری او در عملیاتی ضربتی و غافلگیرانه برنامه ریزی کردیم.

وی ادامه داد: حوالی غروب دوشنبه او را در یکی از خیابان های شلوغ روستا شناسایی کردیم. ماسک به صورت زده بود تا شناسایی نشود و کوله ای هم بر دوش داشت. او را زیر نظر گرفته و منتظر ماندیم تا از شلوغی دور شود تا جان اهالی روستا به خطر نیفتد. در محلی خلوت تر وارد عمل شده و او را از پشت سر غافلگیر و دستگیرش کردیم. او اسلحه کلتی با ۱۲ فشنگ زیر لباسش مخفی کرده بود تا اگر احساس خطر کرد با آن تیراندازی کند اما عملیات دستگیری اش ضربتی بود و این فرصت به قاتل ۲۶ ساله داده نشد.

فرمانده انتظامی شهرستان مرودشت خاطر نشان کرد: متهم به قتل به آگاهی مرودشت منتقل و با دستور قضایی بازجویی از او آغاز شد که به قتل دوستش به دلیل اختلاف مالی و کشتن دو قربانی دیگر به دلیل انتقام کور اعتراف کرد. سرهنگ زینلی در پایان تاکید کرد: دستگاه قضایی و پلیس اجازه نمی دهد برخی افراد با اندیشه های مجرمانه امنیت شهروندان را سلب کرده و بر خورد سختی در انتظار این افراد است. آرامش و امنیت شهروندان خط قرمز پلیس است.

آتش سوزی مائویی، به این منطقه سفر و یک هماهنگ کننده فدرال را برای نظارت بر تلاش ها برای بازسازی آن اعلام کرد. به باور کارشناسان، آتش سوزی های مرگبار در مائویی آسیب پذیری را در آمریکا نشان داد که به سرعت تهدیدات ناشی از تغییرات آب و هوایی در حال افزایش است؛ بخش های عظیمی از این کشور در مناطق خشک قرار دارد که در آن آتش سوزی ها جرقه می زنند و دولت های دارای محدودیت نقدینگی، برنامه های اضطراری کارآمدی برای نجات جان افراد ندارند.

مکت

خونسرد اما جانیکنار

۲۶ سال دارد و به راحتی دست به اسلحه می برد و مرتکب قتل می شود. خونسرد است و اگر دستگیر نمی شد احتمال ارتکاب قتل های دیگر از سوی او وجود داشت. وقتی روبه روی افسر آگاهی می نشینند قتل هایش را تشریح می کند گویی هیچ راه و چاره ای برای انکار آنها ندارد. متهم درباره دلیل قتل پدرزن برادرش می گوید: « برادرم بعد از ازدواج ارتباطش با ما کمتر شد و بیشتر سمت خانواده همسرش بود. من پدرزن برادرم را دلیل این رفتار می دانستم. تا این که یک روز برادرم با مردی درگیر شد و او را با قمه زد و تحت تعقیب قرار گرفت. او افسرده شده بود و همین باعث شد یک روز با اسلحه خودکشی کند. بعد از مرگ برادرم از پدرزنش کینه به دل گرفتم و یک روز به بهانه ای او را به حاشیه شهر کشاندم و با شلیک گلوله کشتم.» متهم ۲۶ ساله درباره قتل دوستش و خواهر و برادر هم گفت: « اختلاف ما مالی بود و او باید پول ملکی را به من می داد اما هر چه گفتم قبول نکرد. آن روز به قبرستان رفیقتم تا این اختلاف را حل کنیم اما دوباره درگیر شدیم که با اسلحه به سرش شلیک کردم و او را کشتم و با خودروی پراید یکی از دوستانم فرار کردم. بعد تصمیم گرفتم از خانواده همسر برادرم انتقام بگیرم. آنها از من دیه گرفته بودند تا رضایت بدهند. این پول زور بود چون آنها جان برادرم را گرفته بودند و من جان پدرشان را. پس حساب بی حساب شده بودیم. حدود ساعت دو وارد خانه شان شدم. همسر برادرم و برادر کوچکش در خانه بودند. با تهدید اسلحه آنها را به کنج اتاقی بردم تا صدای گلوله اهالی را باخبر نکند. بعد آنها را هم با شلیک گلوله به قتل رساندم و به روستا فرار کردم. فکر می کردم هیچ ردی از خودم باقی نگذاشته ام و پلیس نمی تواند مرا دستگیر کند اما غافلگیر شدم و دستگیرم کردند.»

محکمه

قتل دایی همسر برای فرار از مرگ!

مردی که شش سال قبل دایی همسرش را کشته و جسدش را در بیابان ها کرده بود، قبل از اجرای حکم قصاص توانست رضایت اولیای دم را جلب کند و از مرگ رها شود. متهم از جنبه عمومی جرم محاکمه و به هشت سال زندان محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از خرداد سال ۱۳۹۶ و همزمان با گزارش ناپدید شدن مرد ۵۵ ساله ای به نام محمود آغاز شد. همسر محمود در تحقیقات گفت: « همسرم دیروز از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. سابقه نداشت او بی خبر شب به خانه برگردد و به همین دلیل به ماجرا مشکوک هستم. احتمال می دهم با یی سراو آمده باشد.» پس از شکایت این زن تحقیقات پلیسی آغاز و خودروی محمود بدون سرنشین مقابل بیمارستانی در تهران پیدا شد. با کشف لکه های خون روی صندلی عقب احتمال قتل او مطرح شد. همچنین بررسی دوربین های مداربسته نشان داد، مرد ناشناسی خودرو را مقابل بیمارستان رها کرده است.

ردیابی گوشی محمود هم نشان داد، آخرین بار گوشی او در محدوده باغی در شهریار آتن دهی داشته و همزمان نیز تلفن یکی از بستگان او به نام سیروس هم در آن محل بوده است.

سیروس تحت بازجویی قرار گرفت و ادعا کرد، محمود به باغ آمد و چند دقیقه ای اینجا بود و بعد با عجله رفت. نمی دانم چه شد و کجا رفت. یک ماه بعد از ناپدید شدن این مرد، با کارت بانکی اش خرید شد که همین سرخ دستگیری قاتل بود. ماموران سراغ مغازه ای که از آن خرید شده بود رفته و با بررسی دوربین های مداربسته آنجا متوجه شدند سیروس با کارت بانکی محمود خرید کرده بود. سیروس دستگیر شد و این بار به قتل اعتراف کرد و گفت: محمود دایی همسرم بود. رابطه ما خیلی خوب بود و مثل رفیق بودیم. مدتی بود با هم مشکل پیدا کرده بودیم. آخرین بار او با ماشین دنبالم آمد و به باغ رفیقیم. در آنجا درگیر شدیم و محمود گلیوم را گرفت و طوری فشار داد که نفسم بند آمد. برای نجات جانم سنگی از روی زمین برداشتم و با آن به سرش زدم. وقتی فهمیدم مرده، ترسیدم و جسد را روی صندلی عقب خودرو

نشان دادم. با این کار مرا از درد و غم نجات داد. من نمی دانم چه شد که این کار را کردم تا همه تصور کنند حالم بد شده و به بیمارستان رفته است.»

سیروس در آخرین دفاع خود گفت: « سه فرزند دارم که یکی از آنها به بیماری صعب العلاجی مبتلاست. شش سال است در زندان هستم و از این قتل پشیمانم. تسلیم به رای دادگاه هستم و از قضات درخواست دارم و می خواهم در مجازات تخفیف قائل شوند تا بتوانم نزد خانواده ام بروم.» قضات دادگاه پس از بررسی پرونده، سیروس را به هشت سال زندان محکوم کردند.

جام جم

حوادث

INCIDENT

چهارشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۲ ■ شماره ۶۵۶۷

کوتاه از حوادث

مرگ چوپان در مرز

خانواده چوپان ایرانی که با تیراندازی مرزبانان ترکمنستان کشته شده بود، درخواست کردند دیه اواز بیت المال پرداخت شود.

به گزارش خبرنگار «جام جم»، اوایل مرداد امسال خانواده ای با حضور در شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران شکایت کردند، پسر جوان خانواده در مرز ایران-ترکمنستان با شلیک گلوله ماموران مرزی به قتل رسیده و پرونده در آن کشور در بالاتکلیفی به سر می برد و خواستار پیگیری پرونده در ایران شدند.

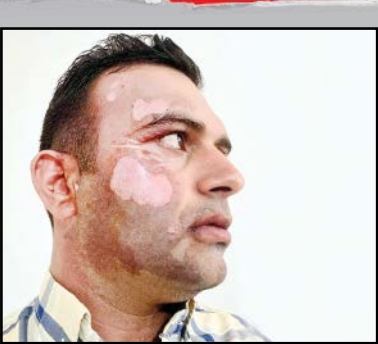
با دستور قضایی پرونده برای تحقیقات بیشتر به اداره هم پلیس آگاهی تهران منتقل شد و پدر مقتول در اظهاراتش گفت: ما در یکی از روستاهای مرزی کلات در استان خراسان رضوی زندگی می کنیم. پسرم با یکی از اهالی روستا دام ها را به چراگاه مرزی می بردند. روز هفتم اسفند ۹۷ آنها گوسفندان را برای چرا بردند که متوجه شدند تعدادی از گوسفندان از آنها فاصله گرفته و سمت مرز کشور ترکمنستان رفتند. آن دو برای انتقال گوسفندان به سمت مرز رفتند. پسرم برای حفاظت در برابر درزان سلاح همراه داشت. مرزبان های آن کشور یک قلاده سگ را سمت شان رها کردند. پسرم و دوستش سعی داشتند از دست آن سگ خلاص شوند که نشد و پسرم با سلاحی که داشت سمت سگ تیراندازی کرد. همین تیراندازی باعث شد سه مرزبان ترکمنستانی به اشتباه تصور کنند پسرم به سمت مسیر مرزی و آنها تیراندازی می کند. بنابراین به سمت پسرم و همراهش تیراندازی کردند که تیر به قلب پسر من اصابت کرد و فوت شد. وقتی از ماجرا با خبر شدم، با هماهنگی قضایی و دیپلماتیک توانستم با مقامات ترکمنستانی مذاکره و جسد را تحویل بگیریم. در مراجع قضایی آن کشور شکایت کردیم و حتی مرزبان های ترکمنستانی احضار و مورد تحقیق قرار گرفتند. طبق حکم دادگاه قرارشد چون عمدی در تیراندازی مرزبان ها نبوده به خانواده ام دیه پرداخت شود تا عروسم و بچه هایش بتوانند با آن زندگی شان را بگذرانند اما با گذشت پنج سال هنوز پرونده در آنجا بالاتکلیف مانده و دیه ای پرداخت نشده است حالا خواستار رسیدگی به این پرونده در ایران هستم. ماموران موضوع را بررسی کردند که معلوم شد ماجرا صحت دارد و این حادثه رقم خورده است.

وحید ناصری، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: بعد از بررسی های لازم پرونده به دادگاه ارسال شد تا درباره درخواست دیه از بیت المال تصمیم گیری شود.

قاتل طلافروش اعدام شد

مردی که به انگیزه سرقت، طلافروشی را به قتل رسانده بود در زندان به دار مجازات آویخته شد. حجت الاسلام حسینی، رئیس کل دادگستری استان کردستان به میزان گفت: سیزدهم آبان سال ۱۳۸۸ غلامرضا (شورش) مروتی هنگام سرقت از طلافروشی سیار به نام غلامرضا محمودی در سقر، وی را به قتل رساند. با اعدامات پلیس آگاهی سقر، متهم پس از ۹ ماه دستگیر و روانه زندان شد. پس از برگزاری دادگاه متهم به قصاص محکوم می شود. این حکم در دیوان عالی کشور تأیید شده بود. پس از چند مرحله تلاش در جهت اخذ رضایت، در نهایت و با درخواست اولیای دم صبح سه شنبه - سی و یکم مرداد امسال - حکم قصاص وی در زندان مرکزی سنندج اجرا شد.

شکارچی، محیط بان را سوزاند



یک شکارچی غیرمجاز در هزار جریب بهشهر صورت یک محیط بان را سوزاند. مسلم آهنگری، فرمانده یگان حفاظت محیط زیست مازندران به ایرنا گفت: چند نفر از نیروهای این یگان بعد از اطلاع از حضور چند شکارچی در ارتفاعات منطقه هزار جریب شهرستان بهشهر به منطقه اعزام شدند. ماموران یگان حفاظت یکی از این شکارچیان را دستگیر کردند اما در حین دستگیری شکارچی با فلاسک چای داغ به محیط بان حمله می کند. اصابت فلاسک چای داغ به صورت محیط بان سبب می شود این محیط بان از ناحیه صورت و گردن دچار سوختگی شود. آهنگری با بیان این که دو قبضه سلاح از این متخلفان کشف و ضبط شد، گفت: این شکارچی با اتهام شکار غیرقانونی، حمله و آسیب به محیط بان تحویل مراجع قانونی شد. ما تنها ضابط قضایی هستیم و نوع و میزان مجازاتی که برای شکارچی متخلف در نظر گرفته می شود به عهده قاضی پرونده است.